

قطب سی و سوم

حضرت سعادتعلی شاه اصفهانی

نُورالاولیاء و بدرالاصفیاء، زین العارفین و مرشد الواصلین، المُقَرَّب الی الله، آقای سعادت علی شاه. نام شریفش حاج محمد کاظم معروف به شیخ زین الدین، مولدش اصفهان، جنابش از احفاد شیخ زین الدین معروف اصفهانی است که ذوجنبتین بوده یعنی هم عالم علوم ظاهری و شریعت و هم سالک مسالک باطنی و طریقت بوده است، و اولاد وی پس از او در توارث فضایل و کمالات پدر به دو رشته منقسم شده‌اند: رشته پسری اوّل ایشان آقای شیخ محمد زین الدین اصفهانی که از فحول علمای اوائل دوره قاجاریه بوده و رشته دختری اوّل آنان جناب حاج محمد حسین حسینیعلی شاه از اقطاب سلسله نعمت اللّهیّه.

جناب سعادت علی شاه در ابتدای جوانی به تجارت اشتغال داشت و چون توفیق الهی رفیق حضرتش بود، به صحبت اهل دل مایل شده و به مصاحبت جمعی از عرفا نایل گردید تا بالاخره در خدمت جناب مست علیشاه به شرف توبه و تلقین مشرف شده در اغلب مسافرتها فیض مصاحبت آن جناب را داشت. تا اینکه جناب مست علیشاه در سال یکهزار و دویست و پنجاه و سه رحلت فرمود، وی به خدمت جناب رحمتعلی شاه شیرازی جانشین جناب مست علیشاه و قطب وقت رسیده تجدید توبه و تلقین نمود و در ظلّ تربیت و عنایت آن جناب درجات کمال را پیمود. تا اینکه در سال یکهزار و دویست و هفتاد و یک از طرف آن جناب به دریافت اجازه ارشاد عباد و تلقین ذکر انفاس و اوراد به طالبین نائل آمد و پس از یکسال مجدداً جناب رحمتعلی شاه اجازه تلقین ذکر حیات به آن جناب مرحمت و بالاخره در سال یکهزار و دویست و هفتاد و شش فرمان و دستخط خلافت و جانشینی خویش را به نام وی صادر و به لقب «سعادتعلی شاه» ملقبش فرموده، امور فقرا را به عهده وی واگذار نمود.

مع وصف ذلک چون جنابش به نظر ظاهرینان دارای معلومات ظاهری ظاهر پسندان نبود و از علوم صوری اطلاع بسیطی نداشت و کلیه همت خود را به کسب کمالات باطنی گماشته و از شوق وجد و حال به کسب در قال نپرداخته بود، پس از رحلت جناب رحمتعلی شاه بعضی از بستگان صوری آن جناب خود را از سعادتعلی شاه کاملتر و به خلافت آن مرحوم سزاوارتر می‌شمردند که فضل ظاهری را مایه اولویت خود می‌پنداشتند و فرمانی به خطّ غیر به نام حاج آقا محمد عمّ جناب رحمتعلی شاه تنظیم و تهیه نمودند و عده کثیری از فقرا را از حق منحرف و به طرف خود کشیدند.

گویا زمزمه اختلاف کلمه میان فقرا و آثار حسد بعضی از همگنان از اواخر حیات جناب آقای رحمت علی شاه کم و بیش ظاهر و مشهود بوده است، چنانچه از مفاد نامه‌ای که جنابش قریب به رحلت به آقای سعادتعلی شاه مرقوم فرموده که سواد آن عیناً درج می‌شود اطلاع آن جناب از قضایا درک می‌شود. زیرا در این نامه صریحاً فقرا را امر به پیروی و اطاعت از آقای سعادتعلی شاه نموده و ذکری از نوشته‌های مجعوله فرستاده شده به اصفهان فرموده‌اند.

نامه جناب آقای رحمت علی شاه به جناب آقای سعادتعلی شاه این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم و به ثقتی، مخدوم مکرم مهربان وفقک الله لما یحبّ و یرضی. مسموع شد بعضی نوشته جات از جانب فقیر فرستاده‌اند که مخالف فقر بوده است و این مباین رأی فقیر بوده، اجمالاً بدانید که فقیر من عندی شما را زحمت به امور نداده و تا مأمور از مشایخ و بزرگان نبودم مزاحم نمی‌شدم و اگر کسی نوشته‌ای به اسم فقیر فرستاده خلاف خدا و رسول و ائمه هدی علیه السلام بوده و باید ملازمان منتظم امور فقرای آن سامان باشید و شبهای جمعه را دخیل در امور طریقت باشید و فقیر را مسرور و محفوظ بفرمائید. و اگر تکاهل و تساهل بفرمائید، باعث دلتنگی فقیر خواهد شد. نیت شما به حمدالله به خیر بوده و خواهد بود و اگر نوشته‌ای از فقیر بفرستید خلاف است و رضای فقیر نیست و اطلاعی ندارم، و فقرای آن سامان را زحمت می‌دهد که آنچه صوابدید و صلاح برادر مکرم آقا محمد کاظم باشد باید اطاعت کنند و از صواب و صلاح ایشان بیرون نروند که مخالف رأی فقیر خواهد بود. تحریراً فی غرة جمادی الاولی یکهزار و دویست و هفتاد و هفت، در شیراز قلمی شد، والسلام، خیر ختام رزقنی و ایاکم سلامه فی الدنيا و الآخرة، والسلام.»

به هر حال چون منظور فقط ترجمه احوال اقطاب سلسله است، از ذکر مشروح وقایع متفرقه خودداری می‌شود. طالبین اطلاعات بیشتر به نوشته‌های دیگران منجمله مقدمه کتاب دیوان اشعار مرحوم صفی علیشاه مراجعه نمایند.

در هر صورت پس از رحلت جناب آقای رحمتعلی شاه، در اثر ایجاد این اختلافات و القاء شبهات، آن قسمت از فقرا که توفیق رفیق آنها گردیده با جناب آقای سعادتعلی شاه تجدید عهد نموده بودند عده قلیلی بودند. از طرفی هم مدعیان از ایشان بدگوئی می‌نمودند و علماء ظاهر هم در آزار و اذیت حضرتش کوتاهی نمی‌ورزیدند، لذا وی غالباً به حالت انزوا در منزل خود بود و فقط دوشنبه و جمعه را برای استفاده فقرا از محضرش تعیین کرده بود.

حضرتش در مدت قریب به شانزده سال دوره ارشاد، شیخی و مآذونی تعیین نفرموده و خود به شخصه عهده دار دستگیری طالبین حقیقت بود و از این رو عده فقرا دوره ایشان عدداً کم بود، ولی همان عده قلیل هر یک مجسمه کامل شوق و عشق و محبت بوده‌اند.

جنابش در سال یکهزار و دویست و هشتاد سفری به خراسان فرموده و در این سفر جناب سلطانعلی شاه گنابادی به شرف ملاقات وی فائز و ربوده گردید، و پس از مراجعت آن جناب به اصفهان، جناب سلطانعلی شاه در سال یکهزار و دویست و هشتاد و چهار به قصد زیارت عتبات از گناباد حرکت و در مراجعت به اصفهان به زیارت پیر بزرگوارش شتافت و مدتی در ظل عنایت وی مشغول تصفیه و تجلیه دل گردیده به ذروه کمال رسیده به دریافت فرمان خلافت و جانشینی آن جناب نائل گردید.

جناب سعادتعلی شاه پس از چندی به واسطه ازدیاد اذیت و آزار دشمنان مجبور به جلای وطن گردید، از اصفهان در سال یکهزار و دویست و هشتاد و نه از راه باکو و تفلیس و اسلامبول به مکه معظمه و مدینه منوره مشرف، سپس از راه جبل به عتبات عالیات و از آنجا به ایران مراجعت و در تهران رحل اقامت افکند. پس از چندی از توقف تهران مزاج وهاجش از طریق صحت بگردید و در سال یکهزار و دویست و نود و سه روح شریفش به شاخسار جنان پرواز نمود و در حضرت عبدالعظیم صحن امام زاده حمزه، در مقبره‌ای که مطاف فقراست مدفون گردید. روشن شاعر اصفهانی تاریخ رحلتش را چنین سروده است: «علی و رحمت سعادت را جمع کن سال رحلتش میدان».

شطری از فرمایشات حضرتش:

یکی از پیروان سؤال کرد از آن جناب که با مقاماتی که ما فقرا برای علی (ع) قائل هستیم، در معنی چه فرقی با علی اللهی‌ها داریم؟ فرمود: فرق این است که ما می‌گوئیم علی (ع) نیست خداست^[۱] آنها می‌گویند خدا نیست علی (ع) است. و نیز یکی از ایشان معنی این حدیث را سؤال کرد که اهل النعمیم یشتغلون بنعمائه و اهل الجحیم یشتغلون بی!^[۲] فرمود که به مصداق الدنیا جنة الکافر و سجن المؤمن^[۳]، مراد از اهل نعیم در این جا کفارند که به نعمت دنیوی مشغولند و مراد از اهل جحیم مؤمنین در دنیا هستند که به خدا و یاد او اشتغال دارند. و نیز یکی از دوستان به عنوان مزاح این رباعی را در حضرتش خوانده:

در اول صبح چائی و شیر خوش است چون ظهر رسید نان و سرشیر خوش است

چون عصر شود چائی نمسه نیکوست در نیمه شب ناله کفگیر خوش است

ایشان فرمودند: خیر. وبالبداهه این رباعی را فرمودند:

در وقت صباح جلوه پیر خوش است چون ظهر رسید نان نیم سیر خوش است

چون عصر رسد دیدن اخوان نیکوست در نیمه شب ناله شبگیر خوش است

معاصرین آن جناب از علماء و حکماء:

۱ - شیخ مرتضیٰ انصاری

۲ - حاج میرزا حسن شیرازی

۳ - شیخ حمدی شمس العلماء

۴ - ملا آقا دربندی

۵ - حاج ملاّ هادی سبزواری

۶ - میرزا ابوالحسن جلوه.

از منتسبین به عرفان و عرفا:

۱ - حاج آقا محمد منور علیشاه

۲ - آقا محمد حسن نقّاش زرگر صامتعلی

۳ - آقا میرزا هادی پاقلعه ای

۴ - حاج میرزا حسن صفی علیشاه

۵ - حاج غلامرضا شیشه گر

۶ - حاج محمد کریم خان کرمانی.

از سلاطین و امراء:

۱ - ناصرالدّین شاه قاجار

۲ - حاج میرزا حسین خان سپهسالار.

از شعراء:

۱ - میرزا احمد وقار شیرازی

۲ - آقا محمد حسن فارانی

۳ - رضاقلی همای شیرازی

۴ - حاج مهدی حجاب شیرازی

۵ - آقا محمد تقی سحاب شیرازی

۶ - میرزا محمد علی سروش اصفهانی.

۱۱ - مقصود مقام فناء فی الله آن بزرگوار (ع) است.

۱۲ - اهل بهشت به نعمت‌های آن مشغول هستند و اهل دوزخ به من اشتغال دارند.

۱۳ - دنیا بهشت کافر و دوزخ مؤمن است.